

روزنامه ماندگار، پیشاپیش فرا رسیدن نوروز؛ رستاخیز طبیعت و بهار دل‌ها را به همه هم‌میتهان گرامی مبارکباد می‌گوید و از خداوند زیبایی و مهربانی، برای افغانستان رنج‌دیده؛ شادی، آرامی و آبادی آرزو می‌کند. به امید روزی که غم‌ها به سرور، و کین‌ها به مهر بدل شوند و هر روز ما سبز و نوروزی باشیم!

نوروزتان
سروز!

www.mandegardaily.com

سال ششم: شماره ۱۴۹۹: چهارشنبه ۲۷ حوت/اسفند ۱۳۹۳: جمادی الاول ۱۴۳۶: ۱۸ مارچ ۲۰۱۵

ماندگار

روزنامه صبح افغانستان
چاپ همزمان: کابل - هرات

پخش همزمان:
بلخ
پروان
پنجشیر
میدان وردگ
وکاپیسا



© Feroz Muzafari

درخت دوستی نشان که کام دل به بار آرد
نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد



فرا رسیدن نوروز؛ معجزه الهی تجدید حیات طبیعت، پاسداری فرهنگ حوزه تمدنی و همبستگی، اعتدال و نشاط‌انگیزی و فرحت بهاری، فرهنگ نزدیکی، پیوند و همدیگر پذیری را به همه مردمان سرزمین پهناور این حوزه تمدنی مبارکباد می‌گویم.
از خدای بی‌گانه می‌طلبیم تا با آمد آمد نوروز مصیبت‌ها، عداوت‌ها، کینه‌ها و بخل و کدورت‌های زمستانی را از میان‌مان ریشه‌کن کند و مردم ما را از سرچشمه‌های آب زلال نوروزی بیاشامد تا محبت و دوستی و صمیمیت و برادری در دورن دل‌های مان پیوند خورد.
با محبت نوروزی
احمد ولی مسعود
ریس بنیاد شهید مسعود

عالمان دین: جشن نوروز هیچ منافاتی با اسلام ندارد



پس نوروز لااقل بیست و پنج قرن قبل از پیدایش دین مجوسیت رایج بوده و شاید از روی بی‌دقتی باشد که ما نوروز را از اعیاد دینی مجوسیت بدانیم و زردشت را متهم نماییم که دو نیم هزار سال قبل از به دنیا آمدن خود، نوروز را گرامی داشته است.
ادامه صفحه ۶

نوروز مناسبت اجتماع است که هیچ کس نمی‌تواند آن را تحریم کند

گفت‌وگویی با خواجه بشیر احمد انصاری پیرامون مسأله «نوروز»

ماندگار: از امام بخاری یاد نمودید، آیا ایشان در این زمینه سخنی دارند؟
انصاری: امام بخاری در «الادب المفرد» خویش و همچنان وقتی که درباره یکی از راویان حدیث به نام «سعر» حرف می‌زند، روایتی را ذکر نموده‌اند که می‌گوید: نعمان فرزند مرزبان جد امام ابوحنیفه کسی بود که برای علی فرزند ابی‌طالب در روز نوروز فالوده اهدا نمود و علی فرمود: هر روز ما نوروز باد! نمی‌دانم که شیفته‌گان تحریم و قهرمانان میدان تکفیر چرا چنین روایاتی را نمی‌بینند، روایتی که در ده‌ها کتاب حدیث و فقه و تاریخ آمده است



ادامه صفحه ۶

۵۶۹۴ مین نوروز مبارک باد	جشن نوروز در کشورهای منطقه	چرا نوروز را جشن می‌گیرند؟	نوروز با هیچ دینی پیوند ندارد	فمچین نفرت و تکفیر بر فرق «نوروز»

سخن ماندگار

تا سال دیگر خدا حافظ

سرانجام سال ۱۳۹۳ به آخر رسید و سه روز دیگر، به حلول سال نو و نوروز ۱۳۹۴ باقی مانده است. مردم افغانستان با گلگشت و رفتن به دامان طبیعت، به استقبال سال جدید می‌روند و سالی سرشار از شادی و سرور برای یکدیگر آرزو می‌کنند؛ اما دشمنان ددمنش همچنان در پی آن‌اند که شادمانی‌هایمان را ترور کنند.

در سال ۹۳، افغانستان در زمینه‌های امنیتی، سیاسی و فرهنگی، وضع بهتری نسبت به سال ۹۲ نداشت؛ اما تحولات کلانی در این سال رقم خورد؛ برگزاری انتخابات پُرجنبال ریاست‌جمهوری که پس‌لرزه‌های آن تا کنون هم ادامه دارد؛ شکل‌گیری دولت وحدت ملی که هنوز نیمه‌کاره است؛ ظهور داعش در افغانستان؛ و نیز برف‌کوچ‌های سهمگین در پنجشیر و چند ولایت دیگر، از جمله یادداشت‌های مهم سال ۱۳۹۳‌اند.

ما در حالی وارد سال ۹۴ می‌شویم که مشکلات خلق‌شده سیاسی در سال ۹۳ هم‌چنان پابرجا اند و با گذشت نزدیک به یک سال از دور اول انتخابات، هنوز هم هیچ چیز سر جایش قرار ندارد. به هرصورت، با آغاز سال نو، مشکلات نوتری نیز انتظار ما را خواهد کشید: سرگردانی‌ها و ابهام‌ها و هراس‌هایی که از بحث گفت‌وگوهای صلح وجود دارد، بیشتر دامن‌گیرمان خواهد شد؛ با گرم شدن هوا طالب و داعش پیوند بیشتری خواهند یافت و ناامنی‌ها در شمال و جنوب سیر صعودی خواهند پیمود. اما هنوز معلوم نیست که دولت چه تمهیداتی برای مهار چالش‌های یادشده روی دست گرفته است!

عمده‌ترین نگرانی مردم افغانستان، گسترده شدن بساط داعش در کشور است که به نظر می‌رسد طی یک برنامه کلان سیاسی صورت می‌گیرد. مردم انتظار دارند که سال نو، جریان‌های سیاسی کشور متوجه خطر چاق شدن تروریسم زیر نام داعش باشند. این نگرانی حالا از سطح داخلی بیرون شده و به سطوح بین‌المللی نیز رسیده است. به‌تازگی سازمان ملل متحد در مورد حضور داعش در افغانستان ابراز نگرانی کرد. البته شکی نیست که گروه داعش توانایی ساقط ساختن نظام را ندارد، اما داعیه داعش یک داعیه عوام‌فریب است و اگر به بسترهای اجتماعی و فرهنگی آن توجه نشود، افغانستان می‌تواند میزبان تفکر داعشی و نقطه اتصال جریان‌های تروریستی و افراطی جهان شود. چنان‌که سازمان ملل در ارزیابی‌هایش گفته است که حضور داعش در افغانستان نگران‌کننده است، اما اهمیت داعش در افغانستان مربوط به توانایی‌های ذاتی آن در این کشور نیست، بلکه نگرانی عمده ظرفیت داعش در گردآوری گروه‌های انفرادی شورشی زیر یک چتر است.

به نظر ما نیز حضور داعش در افغانستان فعلاً در حد گروه‌های کوچک و غیرمنظم است؛ اما نگرانی اصلی این است که این گروه طی یک برنامه سیاسی و استخباراتی وسعت یابد؛ به این ترتیب که طالبان و دیگر گروه‌های دهشت‌افکن به تدریج در بدل پول سنگینی که در این راه به مصرف می‌رسد، داعش شوند و کار این گروه در کشور بالا بگیرد.

هم‌چنان بحث گفت‌وگوهای صلح با طالبان در سال پیش رو، از عمده‌ترین مسایلی است که می‌تواند هم به سود و هم به زیان کشور تمام شود و این سود و زیان نیز به نحوه مدیریت این پروسه توسط سران دولت وحدت ملی بستگی دارد. به هر صورت، انتظار ما از دولت موجود، جامعه جهانی و کشورهای قدرتمند همسایه و منطقه این است که وضعیت خطیر افغانستان را درک کنند و با تلاش‌های صادقانه‌شان خویش، زمینه دست‌یابی به صلح و ثبات پایدار را فراهم کنند. سران دولت وحدت ملی مکلف‌اند با تکمیل کابینه و تطبیق کامل توافق‌نامه سیاسی در سال جدید، امیدهای منجمد شده مردم را زنده کنند و آغازی نو را برای این کشور رنج‌دیده رقم زنند.

خداوند حکیم زمان را به شب و روز ماه و سال، تفصیل و تجزیه نموده تا انسان‌ها در کار و پیکار زنده‌گی، حرکت در جهت کمال و درنهایت ابراز وجود به عنوان اشرف مخلوقات، فعالیت‌های گذشته‌اش را محاسبه نموده و برای ادامه سیر تکاملی خویش، برنامه‌ریزی کنند.

بنابراین ضرورت احساس می‌شود که آغاز هر فصلی از زمان، واضح و آشکار گردد تا همه بدانند که سفر زنده‌گی را چه اندازه طی کرده‌اند و فرصت باقی مانده تا پایان راه چه قدر خواهد بود.

با استفاده از این فصل بندی زمانی است که

درآینده را زمان بندی کنند.

براساس همین ضرورت، گذشته‌گان ما دقیقاً از (۵۶۹۴) سال قبل، روز نخست سال را به نام روز نوروز، جشن می‌گرفتند. علاوه بر نوروز، نخستین روز ماه‌ها و فصل‌ها را نیز، به نام‌های جشن مهرگان، خوردادگان، مردادگان، آذرچشن، شب یلدا و خرم روز، با خوشی و سرور آغاز میکردند.

این جشنهای باستانی که براساس ضرورت ایجاد شده و ادامه داشت، در دوره اسلامی نیز تداوم یافت و حضرت محمد(ص) با آن مخالفت نکرده است.

۵۶۹۴ مین نوروز

مبارک

قصر جمشید



با ترک لانه‌های شان به منظور استفاده از هوای فرحت آفرین و نسیم روحبخش بهار و تهیه لوازم برای زندگی نوین خویش، در زمین و هوا پراکنده می‌شوند.

وقتی در فصل بهار نباتات زنده می‌شود و زنده‌جان‌ها از خواب گران بیدار شده و حیات دوباره را از سر می‌گیرند، پس چرا انسان‌ها به‌عنوان بهترین مخلوقات، فصل بیداری را درک نکرده و از خواب یک‌ساله بیدار نشوند؟

با توجه به زنده شدن طبیعت در بهار، تجلیل از نوروز، هماهنگی با طبیعت تلقی می‌شود، و مخالفت با نوروز، مانند شنا در جهت مخالف جریان آب، محکوم به شکست بوده و با عدم پذیرش جامعه، مواجه خواهد شد.

پس بیاید همه با هم گذشته را به بایگانی تاریخ بسپاریم و به خاطر ساختن آینده توأم با صلح و ثبات و امنیت پایدار و جامعه مملو از رفاه معیشتی و برخوردار از اقتصاد کافی، درسطوح مختلف فردی و گروهی، طرح کاری داشته باشیم. و آن را برای تطبیق در سال ۱۳۹۴ خورشیدی، زمان بندی کنیم.

وقتی موفق به طرح و برنامه کاری برای آینده گردیدیم، این سوال مطرح می‌شود که آغاز تطبیق آن به‌صورت دقیق، چه زمانی خواهد بود؟

در اینجا باید گفت

که روز نوروز یا اول حمل سال ۱۳۹۴، روز فراموش ناشدنی است که همه مردم اعم از مردان و زنان و کودکان، از خانه‌های شان بیرون آمده و با لباس‌های رنگارنگ همگون با چمن‌زارها، روی سبزه زارها آر میدند و همگام با پرنده‌های خوش خط و خال در هوا و خزنده‌های گوناگون در روی زمین، به جشن و پایکوبی پرداختند.

درست همین روز، روز آغاز زنده‌گی نوین و

در تائید این ادعا به روایت ذیل توجه کنید: عبدالصمد بن علی از جد خود روایت کرده است که: در نوروز جام سیمینی که پر از حلوا بود، برای پیامبر(ص) هدیه آوردند و آنحضرت پرسید: «این چیست؟»

گفتند: عید بزرگ ایرانیان است. فرمود: «آری، در این روز بود که خداوند(ج) عسکره را زنده کرد» پرسیدند: عسکره چیست؟ فرمود: «عسکره هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ، ترک دیار کرده و سر به بیابان نهادند. و خداوند به آنان گفت: بمیرید! بمیرید! پس آنها را زنده کرد و ابرها را فرمود که برآنان ببارند. از این روست که پاشیدن آب در این روز، رسم شده است.» سپس از حلوا تناول کرد و جام را میان اصحاب خود تقسیم کرد و گفت: «کاش هر روز به ما نوروز بود.»

گذشته از آنچه در مورد فلسفه وجودی و اهمیت نوروز تذکر داده شد، جشن گرفتن نوروز در واقع ادای شکرانه نعمت‌های الهی است. نوروز نه جشن منحصر به مسلمانان است و نه عید ویژه مجوسیان. نوروز دراصل عیدطبیعت و جشن بی ضرر کشت و کار است که هیچ گروهی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد.

در فصل بهار، طبیعت دوباره زنده می‌شود و نباتات یا گیاهان، با برگ و بار و گل‌های رنگارنگ زمین را با بهترین پوشش مزین می‌سازد. در این فصل، تمام آفریده‌های آفریدگار جهان در روی زمین، احساس زنده‌گی دوباره می‌کنند و حتا خزنده‌ها و پرنده‌ها مانند مورچه‌ها و پرستوها، از خواب زمستانی بیدار شده و

انسان می‌تواند آنچه در گذشته انجام داده است را محاسبه کند و برای کارهایی که در آینده قرار است انجام دهد، برنامه‌ریزی نماید.

هرگاه چنین است ناگذیر باید زمان را شناخت و فصل‌های سال را از هم تفکیک کرد. اگر چنین نکنیم یا نتوانیم، محاسبه کارهای گذشته و برنامه‌ریزی برای آینده، ناممکن خواهد بود.

در قسمت جداساختن فصول متفاوت زمانی، باید گفت که شب و روز را خالق هسنی به‌وسیله تاریکی و روشنی از هم جدا ساخته است؛ اما ماه گذشته را از ماه بعدی و سال قبل را از سال آینده، چگونه می‌توان مجز نمود؟

باید گفت که نظر به اهمیت موضوع و به منظور آگاه ساختن همه‌گان از تحویل ماه و فصل و سال، رشته‌ای از علوم بشری به نام «علم نجوم» وجود دارد. دانشمندان این شاخه از علوم، به مطالعه فلکیات پرداخته، نظر به حرکت وضعی و دورانی زمین به دورخود و خورشید و تغییر وضعیت جوی، لحظه تحویل سال را تعیین نموده و آن را به چهار فصل «بهار، تابستان، خزان و زمستان» تقسیم کرده‌اند که هر فصل با فصل دیگر متفاوت می‌باشد.

و اما لحظه جدایی میان سال گذشته و آینده و فصول چهارگانه، برای عوام به آسانی قابل درک نیست.

بنابراین می‌کند با ابراز احساسات و اجرای حرکات غیر عادی، همه‌گان را از آغاز سال یا فصل جدید آگاه ساخت تا به‌خود آمده ضمن مرور به گذشته خودشان، کارهای قابل اجرا

برنامه‌کاری سال پیش روست.

پس فرخنده باد نوروز، برای تمام کسانی که زنده بودن را برای زنده‌گی کردن می‌خواهند.

بحث مان را در باره نوروز، با چند قطعه شعر از شعرای بزرگ خراسان زمین، پایان می‌دهیم:

سعدی شیرازی:

آدمی نیست که عاشق نه شود فصل بهار
هر گباهی که به نوروز نجنبند حطب است

عطارد نیشاپوری:

دل عطارد چون گل نوروز

تازگی میدهد ز شبنم عشق

عنصری بلخی:

نوروز بزرگ آمد آرایش عالم

میراث به نزدیک ملوک عجم از جم

ظهیرالدین قاریابی:

میمون و خجسته باد بر تو

نوروز بزرگ و روز تحویل

امیر خسرو دهلوی:

قمریان گشته غزلخوان یک طرف

پردۀ نوروز را بنواخته

هاتف اصفهانی:

ز فیض ابر آزاری زمین مرده شد زنده

ز لطف باد نوروزی جهان پیر شد برنا

مأخذ این مقاله کتابی است به نام (سلام بر نوروز آریایی) تالیف: دکتر صاحب نظر مرادی. ناشر: انتشارات سعید، تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۹۰ خورشیدی، کابل.

نوروز و قصر...

که آنان تا روز نوروز اجازه ورود برای هیچ کسی را نمی دهند. نگهبانان دلیل این کارشان را آماده گی های امنیتی برای روز نخست سال می گویند. قرار است در این قصر شمار زیادی از اراکین دولتی و شهروندان نوروز را گرامی بدارند.

هر چه برای شان دلیل می گویم قبول نمی کنند و می گویند که پیش از این، از همه شهروندان خواسته اند تا روز نخست نوروز، به این قصر نیایند.

حاجی عبدالله جان که ۷۵ سال سن دارد و باشندۀ اصلی ولسوالی پغمان است، می گوید که در گذشته وقتی نوروز می شد؛ مردم پغمان مصروف تهیه هفت میوه، سمنک و غذاهای رنگارنگ می بودند که سبزی پلو از معروف ترین آن ها بود.

این باشندۀ پغمان هم چنان می گوید، همه ساله بعد از روز اول نوروز شهروندان شهر کابل و ولایات دیگر با خانواده های شان به پغمان می آیند و این روز را تجلیل می کنند.

این باشندۀ پغمان می گوید از زمانی که قصر نوروز در این ولسوالی ساخته شده، مرمان زیادی به این ولسوالی می آیند و از این قصر دیدار می کنند.

نهال شانی وقتی ماه آخر سال خورشیدی (حوت) داخل می شود بسیاری از شهروندان به پیشواز نوروز، مصروف نهال شانی می شوند و نهال های مختلف را در خانه و ساحاتی معینی در شهر غرس می کنند.

مسئولان وزارت اطلاعات و فرهنگ، وزارت زراعت و شهرداری کابل نیز گفته اند که آنان در نظر دارند تا در نقاط مختلف شهر با همکاری شهریان کابل در سال جدید نهال غرس کنند.

می بینم که شمار زیادی از باشندگان پغمان نیز به خاطر استقبال از بهار نو مصروف نهال شانی و بیل زنی در زمین های خود هستند.

همایون که پنج سال می شود نهال فروشی می کند، می گوید که این روزها بازار فروش نهال گرم است و از او باشندگان ولسوالی پغمان و شهر کابل نهال می خرند.

او که نهال های سیب، زردآلو، گیلاس و بادام را می فروشد می گوید که مردم بیشتر نهال گسلاس را می خرند.

مبشر که مصروف شانیدن نهال بود، می گوید، من هر سال نهال غرس می کنم و این کار را به خاطر پاکی و ساختن محیط سالم انجام می دهم.

مبشر به این باور است که اگر هر شهروند هر سال یک نهال غرس کند تا ده سال بعد دیگر افغانستان به یکی از سرسبزترین کشورهای دنیا تبدیل خواهد شد.

بلخ مهادار نوروز از جشن باستانی نوروز همه ساله در سراسر افغانستان گرامی داشت می شود؛ اما نوروز در بلخ به دلیل برافراشتن جهنۀ سخی و مراسمی ویژه متفاوت از نقاط دیگر کشور برگزار می شود.

شمار زیادی از ولایات مختلف و حتا کشورهای بیرونی برای استقبال از نوروز به بلخ می آیند.

مسئولان محلی در بلخ از تدابیر کامل امنیتی برای برگزاری جشن باستانی گل سرخ و روزهای نوروز در شهر مزارشریف و سطح ولایت خیر داده گفته اند که بلخیان آماده پذیرایی مهمانان در این جشن اند.

منیر فرهاد، سخنگوی والی سرپرست بلخ، در گفت و گو با رسانه ها گفته است که بلخ همان گونه که مهد این جشن باستانی و بین المللی بوده است، امسال نیز مانند سال های پیشین به بهترین وجه از مهمانان که جهت اشتراک درین جشن بین المللی به بلخ می آیند، میزبانی خواهند کرد.

حکومت محلی بلخ، آمادگی هایی را جهت برگزاری و تجلیل از این جشن باستانی و بین المللی اتخاذ کرده است، که ایجاد کمیسیون مرکزی آماده گی تجلیل از جشن بین المللی نوروز که در رأس آن عطاءمحمد نور والی سرپرست بلخ قرار دارد و متشکل از شش کمیته کاری، از جمله کمیته های امنیتی، تزیینات، فرهنگی، مالی و تدارکات، تشریفات و سرسبزی می باشد، از جمله مواردی است که می توان به آن اشاره کرد.

به گفته آقای فرهاد، ساخت دروازه شهر به شکل باستانی آن در غرب شهر، ساخت زیرزمینی جهت عبور و مرور شهروندان را از کارهای حکومت محلی این ولایت عنوان کرد که ویژه نوروز ساخته شده اند.

وی همچنین افزود، که در نوروز امسال، انتظار می رود دو صد هزار مهمان در این جشن اشتراک کنند و از اتخاذ تدابیر شدید امنیتی از سوی منسوبین امنیتی این ولایت خبر داد.

وزارت کار و امور اجتماعی نیز با پخش خبرنگاری روز شنبه را نخستین روز سال ۱۳۹۴ خورشیدی گفته و روزهای شنبه و یکشنبه هفته آینده را رخصتی عمومی اعلام کرده است.

جشن نوروز

در کشورهای منطقه

NOROUZ



و خوشبختی برای مردم این کشور می کند. او گفت که نوروز نه تنها نماد نو شدن طبیعت، بلکه نماد اجرای خواسته ها و امیدهای انسان هاست.

قزاقستان:

همزمان با نزدیک شدن به نوروز، خیابانها و معابر عمومی جمهوری قزاقستان آذین بندی و چراغانی شده است.

نظافت و تمیز کردن شهر از طرف مردم از دیگر برنامه های آماده شدن برای نوروز است. مردم قزاقستان می گویند اگر در هنگام تحویل سال خانه تمیز باشد افراد دچار بیماری و ناراحتی نمی شوند. نورسلطان نظربایف رییس جمهور قزاقستان سال گذشته پیشنهاد آغاز سال جدید را با آغاز فصل بهار مطرح کرد.

دید و بازدید از بزرگان، حضور در جشن ها در میادین مرکزی شهر و برگزاری مراسم عروسی از برنامه های مردم قزاقستان در ایام نوروز است. تعطیلات نوروز در قزاقستان سه روز است اما بزرگداشت آن تا یک ماه ادامه دارد.

افغانستان

در افغانستان نیز نوروز به گونه باشکوهی از گذشته های دور تجلیل می شود. در برخی از مناطق این کشور خانواده ها به دشت ها و کوه ها می روند و این جشن را گرامی می دارند.

در گذشته، جوانان گردهم می آمدند و برنامه نوروزی برپا می داشتند. سمنک، هفت میوه و ... در جشن نوروز آماده می شود.

در سال پیش رو به مناسبت نوروز دو روز رخصتی عمومی اعلام شده است.

سال ۱۳۹۳ جشن نوروز در کابل با حضور روسای جمهور کشورهای حوزه تمدنی نوروز گرامی داشته شد.

افغانستان، یکی از کشورهایی است که خود را صاحب این جشن جهانی می خواند.

فلسفه نوروز:

برخی پژوهشگران، ریشه تاریخی این جشن را به «جمشید پشادادی» نسبت می دهند و نوروز را «نوروز جمشیدی» می خوانند. این گروه معتقدند که جمشید شاه بعد از یک سلسله اصلاحات اجتماعی بر تخت زرین نشست و فاصله بین دماوند تا بابل را در یک روز پیمود و آن روز (روز هرمزد یا اورمزد) از فروردین ماه بود. چون مردم این شگفتی از وی بدیدند جشن گرفتند و آن روز را «نوروز» خواندند. فردوسی شاعر بزرگ پارسی گوی نیز در شاهنامه پیدایش نوروز را به جمشید شاه نسبت می دهد.

موسم آفرینش جهان: بارش باران های بهاری، برآمدن شکوفه ها و برگ آوردن درختان، طولانی شدن روزها و ساعات روشنایی، گذشتگان را بر این اعتقاد راسخ کرده بود که نوروز، زمان پیدایش و آفرینش جهان است. مردم آریانی باستان معتقد بودند که از اولین روز فروردین، روان بهشتیان همه به این کیهان بازمی گردند و هر یک به میهن و موطن خود فرستاده می شوند.



جوانه گندم آن سمبل زندگی ابدی است. **تاجیکستان:**

در تاجیکستان در تمامی شهرها و مناطق و حتی روستاهای دور دست کشور مراسمی باشکوه به مناسبت فرا رسیدن نوروز برپا می شود. در آغاز سال، امامعلی رحمان رییس جمهور تاجیکستان نوروز را به مردم کشور تبریک می گوید. سپس مسابقاتی در رشته های سنتی ورزشی و نیز شعرخوانی برگزار می شوند و همه مردم برای گردش و تفریح به خیابان ها می آیند.

بنا بر رسمی دیرینه، در روز جشن، مردم تمامی ناراحتی ها و کدورت هایی که از یک دیگر به دل گرفته بودند را می بخشند و آنانی که قهر بودند، آشتی می کنند. بسیاری به ملاقات فقرا، افراد تنها و ناتوان می روند، از آنها مراقبت می کنند، هدیه می دهند. جشن های نوروزی در تاجیکستان حدود یک ماه بطول می انجامد.

باید گفت که نوروز چیزی پیش از یک جشن معمولی محسوب می شود. در این روز برای مخارج نوروزی به کودکان جشنی می دهند، مردم به هم هدیه می دهند و به یتیمان و بیوایان کمک می کنند.

ترکمنستان:

طبق روایات ترکمن ها، جشن بهاری نوروز، بیش از ۳ هزار سال پیش در خراسان، همزمان با آغاز کشاورزی ایجاد شد و به تمامی کشورهای همسایه رواج یافت.

نوروز باستانی ترین جشن کشاورزان است که پدیدار شدن آن مرتبط با ایجاد تقویم کشاورزی است. فردوسی و عمر خیام که در زمان ملک شاه سلجوقی در خاک کنونی

ترکمنستان خدمت می کردند، نوروز را مرتبط با پادشاهان افسانه ای ایرانی، از جمله جمشید و کیومرث می دانستند.

آذربایجان: در آذربایجان شیخ الاسلام حاجی الله شکور پاشازاده مفتی مسلمانان قفقاز فرا رسیدن «نوروز بایرام» را به مردم آذربایجان تبریک گفته و آرزوی شادی، تندرستی

نوروز جشنی باستانی است که در ایران، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، قزاقستان، آذربایجان، مناطق کردنشین عراق، سوریه و ترکیه و حتی در بسیاری از شهرهای روسیه نیز برگزار می شود.

نوروز را صدها میلیون نفر در آسیای میانه، خاور نزدیک و خاور میانه جشن می گیرند. این جشن در کشورهای اسلامی بطور گسترده برگزار می شود. مردم کشورهای مختلف نوروز را به اشکال مختلف جشن می گیرند، در اینجا به طور کوتاه در خصوص



این سنت باستانی در چند کشور توضیح می دهیم: **ازبکستان:**

در ازبکستان جشن نوروز جشنی دولتی است، اما رسماً سال نو طبق تقویم اروپایی برگزار می شود. از چند روز مانده به جشن، مردم این کشور خانه تکانی می کنند و خانه های خود و شهرها و روستاها را می آرایند؛ زیرا این امری طبیعی است که در لباسی زیبا و خانه ای زیبا به استقبال سال نو بروند. طبق رسوم، تا پیش از آغاز سال نو باید تمامی کارهای مربوط به آماده کردن غذا و وسایل پذیرایی پایان بیابند.

غذای فراوان و متنوع، نماد امیدواری به برداشت محصولات بسیار در این سال است. در روز نوروز سفره جشن که در ازبکستان «دسترخوان» نامیده می شود، پهن می شود و بر روی آن غذاهای متنوعی از جمله پلو، گوشت گوسفند و یا گاو آب پز شده، پیراشکی با پیازچه و سمنک (سومالیاک) قرار می گیرد. سمنکیزی از رسوم دیرینه در ازبکستان است که خانم ها به آن می پردازند و در هنگام پخت آن شعرهایی شاد می خوانند، می رقصند و افسانه تعریف می کنند، شوخی می کنند. ازبک ها تنها یک بار در سال و آن هم در نوروز سمنک می پزند که

چرا نوروز را جشن بگیرند؟

غلام محمد محمدی



اندیشه تجلیل از نوروز به باورهای مذهبی و دینی آریایی‌ها می‌رسد و ریشه در تاریخ کهن دارد. هرچند از پیشینه تاریخی آن، مکتوب بسیار دقیقی در دست نیست؛ ولی بدون تردید جشن نوروز سابقه‌ی بسیار کهن در میان اقوام مختلف جهان دارد. آریایی‌ها، دوره پیشدادیان را، زمان پیدایش جشن‌های نوروزی به شمار آورده‌اند. این جشن در اندیشه‌های مذهبی آریایی‌ها چون «آیین مهر» (زمان خدایی) و یا مزده، بسته است که بسیار ابتدایی هستند. جمشید؛ شخصیت معروف، محبوب و عادل نوروز در آریانای باستان بوده است. پیوند جشن نوروز با جمشید، از یک سو به کهن بودن این جشن، و از سوی دیگر، به محبوب بودن چهره جمشید و خاطره‌های خوش آریایی‌ها از وی اشاره دارد. به استناد نوشته‌های محققان، جشن نوروز به دوران بعد از «توفان آریایی» برمی‌گردد که به یخبندان دوره چهارم جیولوژیک (پله ایستوسن) مربوط می‌شود و که ده هزار سال از آن گذشته است.

فردوسی طوسی؛ حماسه‌سرای معروف و نامدار تاریخ، در داستان پدید آمدن جشن‌های نوروزی نقل می‌کند که: «وقتی جمشید از کارهای کشور بیاسود، بر تخت کیهانی نشسته، همه بزرگان لشکری و کشوری را به گرد تخت فراخواند، همه جمع شدند و بر وی گوهر پاشیدند. جمشید آن روز را که «فروردین ماه» یا «فرورهای پاکان» نامیده می‌شود، آغاز سال، نامیده، جشن گرفت.

در نوشته‌های محققان آمده است که در روزهای دشوار، آریایی‌ها را گاو، آتش، سگ و قوچ کمک کرده است. بنابراین، نقش گاو در شیردهی، قلبه و انتقالات مهم و آتش، روشنایی بخش ماحول و گرم‌کننده انسان، در زمستان سخت بوده است که به

دور آن گرد می‌آمدند. به عقیده دانشمندان، آریایی‌ها آتش را نیایش کرده اند، نه پرستش. مانند این که بودایی‌ها مجسمه بودا را به نیایش می‌نهند. زردشتیان نیز در برابر آتش به تفکر و نیایش پرداخته‌اند. هرچند گات‌های اوستا، شاید خیلی بعدتر از این عقاید سروده شده باشند، اما نیایش از پرستش، متفاوت است.

چنانچه وقتی زردشت نزد شاه آریایی آمد، چنین پیشنهاد کرد: «من سپتمان زردشت آمده‌ام تا ترا به پرستش خدای واحد دعوت نمایم.» یعنی زردشت یکتاپرست بوده است، نه آتش پرست.

اقوام آریایی و حتا غیرآریایی، به اشکال متفاوت، صدها سال نوروز را جشن گرفته‌اند و می‌گیرند. متأسفانه امروز در بعضی مناطق و کشورها، نوروز صرف به صورت تعطیلات درآمده و از حالت جشن و نیایش خارج گردیده است. در حالی که جشن از کلمه «یسن» به معنای عبادت و نیایش بوده است.

اما تجلیل از نوروز در سلول‌های بدن، افکار و باورهای مردمان جا گرفته و حتا با تاریخ و اعتقاداتشان عجین گردیده است. و جلوگیری از این جشن ماندگار، کار ساده‌ی نیست.

بنابر پژوهش‌های انجام شده، پادشاهان و مردمان دوره‌های هخامنشی، نوروز را به عنوان آیین کهن، به هنگام گردش سال، جشن گرفته‌اند. چنانچه ۱۳ روز اول سال به نام: «۱۳ به‌در» از جشن‌های اصلی ایرانیان امروزی است.

پادشاه هخامنشی، از تخت جمشید که محلی مقدس و مخصوص نیایش بوده، به هنگام نوروز، اقوام مختلف «ماد»، «ایلامی»، «بابلی» و دیگران را با لباس‌های فاخر محلی‌شان می‌خواست و نو شدن سال را در کاخ «اپادانا»، در برابر شاه جشن می‌گرفتند و از حاصلات محلی، زراعتی و دامداری‌شان به شاه هدیه می‌دادند.

مدارک و شواهد نشان می‌دهد که جشن نوروز یا سال نو، با عقاید دوره اسلامی نیز پیوندی محکم دارد. چنانچه مرحوم محمد باقر مجلسی، یکی از دانشمندان مذهب اهل تشیع، می‌گوید: «امام جعفر صادق(ع) نوروز را روزی فرخنده و خجسته خوانده، یعنی روزی که حضرت آدم(ع) در آن روز آفریده شده است.»

موصوف هم چنین به نقل از امام موسی کاظم(ع) می‌نویسد: «خداوند(ج) در نوروز، آفتاب را برتابانده؛ ابرها را فرمان داده تا ببارند؛ بادها را فرمان داد تا بوزند در زمین. در همین روز، حضرت ابراهیم(ع) بت‌ها را شکسته

است، بنابر روایتی در سال دهم هجرت، در این روز، حضرت خاتم النبیین(ص) در «غدیر خم»، برای مسلمانان خطابه‌ی ایراد، و از نزول آیه اکمال دین اسلام، مژده داده است.»

قدم خجسته نوروز را در کشورهای مختلف اسلامی و غیراسلامی به ویژه افغانستان، ایران، تاجیکستان، پاکستان، هند، آسیای مرکزی، عراق، ترکستان، چین و کشورهای اسلاونژاد اروپایی و مناطق دیگر جهان با آداب، رسوم و پیک‌های خاص آن جشن می‌گیرند. مردم افغانستان نیز با جشن نوروز و مراسم آن در مناطق مختلف، آشنا هستند.

در ایران به استقبال جشن نوروز، خانه‌تکانی، چهارشنبه‌سوری، رفتن به بالای قیور رفته‌گان، خانه‌های اقارب و دوستان «میر نوروزی»، «حاجی فیروزی»، سبزه رویاندن در خانه‌ها، گسترده سفره (دستر خوان) هفت‌سین، میوه تر کردن، رفتن به خانه نامزدها، بردن لباس نوروزی، رفتن به تفریح‌گاه‌ها، دامنه کوه‌ها و طبیعت آزاد بوده، و ۱۳ نوروز به نام «سبزه‌به‌در» یا روز طبیعت معمول و جزو مراسم سال نو است.

در سرزمین‌های اسلاونژاد اروپایی، تجلیل از نوروز، با جشن‌های ۱۲ روزه «کارناوالی» آغاز و با پوشیدن ماسک‌های حیوانات، رقص و آوازخوانی ادامه می‌یابد.

در عقاید اسطوره‌ی آن‌ها، «۲ روح پلید»، وجود دارد که ستون‌های آسمان‌ها بالای آن‌هاست. این ارواح پلید، ستون‌های آسمان‌ها را می‌چوند تا از شانه‌های‌شان بیفتند. وقتی ستون‌ها به افتادن نزدیک می‌گردد، سال نو آغاز می‌شود؛ لذا جهان فرو نمی‌ریزد و زنده‌گی انسان‌ها تداوم می‌یابد.

به باورهای قدیم اسلاوها، روز سیزدهم فروردین ماه (ماه حمل در تقویم افغانستان) روز نجات و دور تکامل جهان است که مطابق ۱۳ به‌در ایرانی‌ها می‌شود.

«روز ۱۳ ماه حمل (فروردین ماه) برابر با ۱۴ ماه مردم یهود است که مصادف با ۱۳ ماه مصری‌ها می‌شود. چون یهودها غروب خورشید را، اول روز حساب می‌کنند، نه طلوع آن را. بنابراین، روز ۱۳ به‌در ایرانی‌ها، برابر با ۱۳ ماه یهودها و مصری‌ها نیز می‌شود که همان روز طبیعت و روز نجات جهان است.»

جاپانی‌ها و بعضی مناطق جنوب شرق آسیا، پایان ماه مارچ و آغاز اپریل را که مصادف با ۱۲ فروردین ماه است، بی‌صبرانه منتظر شکفتن گل‌های میوه لذیذ گیلاس هستند که نوید جشن‌های بهاری را می‌دهد و میله‌های شکوفه‌بینی گیلاس و نباتات دیگر آغاز می‌گردد.

عرب‌ها بعد از استیلا بر آسیای مرکزی، می‌خواستند آیین‌ها و عنعنات قدیم مردم را از بین ببرند. وقتی به اهمیت نوروز و پیوند آن را، به موسس آن (جمشید) پادشاه عادل آریایی درک کردند، به باورهای مردم احترام گذاشتند. در دوره‌های اسلامی به جای هفت‌«شین» (شکر، شمع، شیرینی، شیر، شانه و شراب) تهیه هفت سین (سبزه، سرکه، سمارق، سنجد، سیر، سیب و سهند) آهسته آهسته معمول گردید.

در دوره سامانیان، که بخارا و سمرقند، از مراکز بزرگ علم و دانش و از جمله علوم اسلامی بود، برای برگزاری مراسم جشن‌های نوروزی، شرایط بسیار مساعد گردید.

در کابلستان قدیم، بلخ، تخارستان، بامیان، هرات و شهرهای دیگر خراسان، مردم قرن‌ها نوروز را جشن گرفته و مراسم متعدد، از قبیل پوشیدن لباس‌های فاخر، اسب‌دوانی، بزکشی، پهلوانی، سنگ‌اندازی، رفتن به دشت‌ها، دامنه کوه‌ها و عنعنات متعدد معمول بوده، در قرون بعد از اسلام، بلند کردن «جهنده»ی شاه اولیا حضرت علی(رض) و سایر زیارت‌ها در مناطق مختلف کشور ما، روحیه اسلامی گرفته است. در آریانای باستان نیز زمانی که اکثر تمدن‌ها و ملت‌ها، خدایان محسوس مادی و عناصر طبیعت را می‌پرستیدند، این تنها آریایی‌های پیرو زردشت بودند که خدای یگانه، ناپیدا و لامکان را پرستیده و نوروز را نیز جشن می‌گرفتند.

کردهای عراق، قرن‌هاست نوروز را جشن می‌گیرند. تنها در ۱۳۲۵ خورشیدی، دولت عراق مانند دهشت‌افکنان طالبان، این جشن را قدغن کرده، سربازان بالای مردم آتش گشودند. مردم به رغم فشار دولت و دادن تلفات، به مراسم نوروزی ادامه دادند و دولت عراق، مجبور به عقب‌نشینی گردید.

در ترکستان چین، اقوام مختلف مانند ترک، تاتار، ازبک، اویغور و دیگران، از زمان‌های قدیم تا کنون نوروز را جشن می‌گیرند و این عنعنه به باورهای مردم، مبدل گردیده است.

ارتباط ناگسستی جشن نوروز یا موسم بهار، که نمایانگر طراوت، تازه‌گی و زیبایی است، با سبز بودن بیریق عرب‌ها و نهادهای اسلامی، علامت طراوت‌پسندی بوده و سال نو را به خاطر آغاز تحرک، زایش، نوآوری و حرکت تمام موجودات عالم، به فال نیک می‌گیرند. ستایش و نیایش بهار، در حقیقت قدردانی از خالق طبیعت و تفکر در خلقت عالم است.

جشن نوروز به هیچ‌وجه جای اعیاد مذهبی (عید فطر و اضحی) را نمی‌گیرد؛ بلکه جایگاه خاص خود را دارد.

در پایان قابل یادآوری می‌دانم که نهادهای علمی، پژوهشی و تاریخی، در مورد جشن‌های نوروزی پژوهش‌ها و تحقیقات بیشتری انجام دهند و هم‌چنان دولت‌ها و نهادهای ملی در حصه گسترش دادن این آیین پسندیده باستانی و نهادینه شدن این روزهای میمون و مبارک، سعی همه‌جانبه نمایند.

به دنبال این‌گونه تلاش‌ها و ارایه افکار عالی با پیش‌گامی کشورهای تاجیکستان و جمهوری اسلامی ایران در هماهنگی با کشورهای پاکستان، هندوستان، ترکیه، آذربایجان و قزاقستان، پرونده جهانی شدن روز نوروز، با ارایه هشتادوچهار مدرک و سند تاریخی به عنوان میراث غیرملموس جهانی در یونسکو ثبت گردیده و سازمان ملل متحد، روز نوروز را به تاریخ ۸ سنبله ۱۳۸۸ مصادف با ۳۰ اگست ۲۰۰۹ میلادی روز جهانی اعلام کرد.

هر چند منشای نوروز به بلخ باستان پایتخت آریانای بزرگ می‌رسد، ولی شوربخانه سهم دولت افغانستان برای حفظ این میراث تاریخی، بسیار ناچیز بوده است.

حال که نوروز به عنوان روز جهانی شناخته شده است، ایجاب می‌کند که وزارت اطلاعات فرهنگ به ویژه وزیر دانشمند آن و پارلمان افغانستان، حداقل مطابق اهمیت شان و بایسته‌گی این روز جهانی، رخصتی آن را سه روز تصویب و اعلام کنند.

بخش دوم و پایانی

جوانی و شکل‌گیری هویت



نظریات مرتبط با رشد هویت و جوانی

دو نظریه متفاوت در این‌باره بین دانشمندان متداول است: نظریه الگوی هنجاری - بحرانی و دیگری نظریه الگوی زمانی واقعه‌ها. روان‌شناسان سنتی به الگوی اول و روان‌شناسان دیگر به ترکیب هر دو الگو با تأکید بر الگوی دوم باور دارند. رشد آدمی به‌خصوص در سنین بالای ۲۰ سال را نمی‌توان به صورت مرحله‌ی یعنی در چهارچوب الگوی هنجاری - بحرانی تقسیم‌بندی کرد. به همین دلیل ترجیحاً از اصطلاح دوره رشد جوانی، بزرگسالی پخته‌گی و پیری استفاده می‌کنیم. تعیین‌کننده چه‌گونه‌گی رشد در این دوره‌ها وقایع زنده‌گی است که در هر دوره اتفاق می‌افتد و رشد افراد را با وجود شباهت‌های آنان در یک دوره معین از یکدیگر متفاوت می‌سازد.

نوع وقایع زنده‌گی و زمان وقوع آن‌ها، نقش مهمی در چه‌گونه‌گی تثبیت هویت جوانی دارد. مثلاً زمان وقوع ازدواج و چه‌گونه‌گی و ادامه آن، تأثیر بزرگی بر زنده‌گی روانی فرد می‌گذارد. و یا موقعیت تحصیلی و شغلی و یا ناکامی در آن‌ها به این ترتیب حوادث محیطی، در مقایسه با تحولات مرحله‌ی درونی، تأثیر بیشتری بر چه‌گونه‌گی هویت فرد در دوره جوانی به‌جای می‌گذارد. ساختار هویت در دوره جوانی، همچنین، شدیداً متأثر از زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی است. به هر حال، محتوای هویت فرد هر چه باشد، تثبیت آن عموماً در سنین جوانی رخ می‌دهد. در این دوره معمولاً استقلال کامل از والدین و تصمیم‌گیری شخصی و قبول مسوولیت زنده‌گی حاصل می‌شود.

توانایی جوانان برای در نظر گرفتن تمام جوانب مسایل و یافتن دانش نسبتاً وسیع درباره هنجارهای اخلاقی و اجتماعی و آگاهی از ضرورت یکپارچه بودن شخصیت بزرگسالی، زمینه‌های لازم را برای آنان فراهم می‌آورد تا به تثبیت هویت و انسجام خود برسند. در این دوره، هویت شخصی آنان به صورت باورهای عمومی، ارزش‌ها و طرح و برنامه مشخص زنده‌گی جلوه‌گر می‌شود. آنان هویتی می‌یابند که حاکی از وقوف به شایسته‌گی‌های تحصیلی، توانایی‌های بدنی، مهارت‌های شغلی و باورهای اجتماعی است و نقش‌های گوناگون خود در موقعیت‌های مختلف را به‌خوبی می‌شناسند و با تغییر موقعیت‌ها آنان نیز نقش خود را تغییر می‌دهند.

تثبیت هویت و انسجام خود در بین گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی تا حد زیادی متفاوت از یکدیگر است. تحقیقات مارکوس و کیتایاما نشان می‌دهد که در فرهنگ‌هایی که بر جنبه استقلال فردی تأکید می‌کنند، هویت افراد نیز بیشتر حالت فردگرایی، خودمختاری و اتکالی به خود دارد. در حالی که در فرهنگ‌هایی که بر وابسته‌گی‌های جمعی تأکید می‌شود، حالات دیگری از هویت مانند جمع‌گرایی، وابسته‌گی، اتکالی به غیر و جامعه‌محوری مورد نظر جوانان قرار می‌گیرد.

این محققان می‌گویند جوانانی که فرهنگ‌شان بر استقلال فردی تأکید دارد، افرادی متمایز، پی‌گیر در هدف‌های شخصی، متمرکز بر اندیشه‌ها و عقاید خویش بار می‌آیند. اما برعکس جوانانی که فرهنگ آنان بر ارتباط و وابسته‌گی افراد به یکدیگر تأکید می‌کند، فردی با سعی در سازگاری خود با اهداف دیگران می‌شوند که یاد می‌گیرند که در هر مورد ذهن دیگران را بخوانند و خود را بر آن منطبق سازند. این دو نوع هویت باعث می‌شود که مسایل جوانان متعلق به فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر همانند نباشد.

در مورد دوم فرد آزاد نیست که هر طور بخواهد فکر کند و یا هرچه را شخصاً می‌پسندد، انتخاب کند و به همین دلیل تثبیت هویت تا حد زیادی متأثر از الگوهای فرهنگی و اجتماعی و خانواده‌گی است. به جز در میان جوانان طبقات مرفه‌تر و تحصیل‌کرده‌تر که عمدتاً بر استقلال فردی خود تأکید دارند.

منبع: شبکه رشد

نوروز مناسبتی اجتماعی است که هیچ کس نمی‌تواند آن را تحریم کند!

گفت‌وگویی با خواجه بشیر احمد انصاری پیرامون مسأله «نوروز»

ترتیب‌کننده: روح‌الله یوسفزاده



ماندگار: در این روزها تصور فتوا مبنی بر تحریم نوروز گرم است، در این مورد شما چه گفتنی دارید؟

انصاری: نوروز زیباترین مظهر رویش و زایش، و فصل رستاخیز طبیعت است؛ فصلی که به گفته مولانا در آن باغ سلام می‌کند، سرو قیام می‌کند، سبزه پیاده می‌رود و غنچه

سوار می‌رسد. در چنین فضایی، نه تنها نباتات بلکه سایر زنده‌جان‌ها نیز از خواب زمستانی برخاسته و به حرکت و جنبش درمی‌آیند. برپا کردن غوغا در جهت تحریم نوروز هم بیانگر تجدد زنده‌گی و نشاط در این موسم می‌باشد.

ماندگار: تحریم این مناسبت از دیدگاه مخالفان در کجا نهفته است؟

انصاری: در سراپای متون مقدس دینی، هیچ متن صریح و قاطع و استوار و قطعی الثبوت و قطعی الدلالتی را در زمینه تحریم نوروز نمی‌توان یافت. ما روایتهای متفاوتی داریم که برخی بر فضیلت نوروز تأکید دارد و برخی روایات دیگر هم وجود دارد که برخی دانشمندان تحریم نوروز مجوسی را از آن استنباط نموده‌اند، ولی در نهایت امر ما با هیچ متن قاطعی در این راستا مواجه نیستیم. چنانچه که چند سال پیش داده بودم، تا حال برجاست و کسی نتوانسته دلیلی صریح و قاطع و معقول و منطقی در جهت تحریم آن ارایه نماید.

ماندگار: یکی از هموطنان ما به نام اسماعیل لیب بلخی مطلبی را نگاشته و سخن شما را در زمینه جایز بودن نوروز نقد نموده‌اند. آن نقد را دیده‌اید؟

انصاری: بلی آن نقد را دیده و خوانده‌ام. نقد نظریات ما و یا مخالفان و موافقان ما، امری کاملاً طبیعی است. این که دانشمندی از جمع پیروان خط سلفی و از شیفته‌گان مدرسه شیخ محمد بن عبدالوهاب، نظریه و باوری را با ابزار قلم نقد می‌کند، جای شکر است؛ هر چند رگه‌های تکفیر و تفسیق در نوشته آن جناب هویداست. تا زمانی که سخن با سخن و منطق با منطق پاسخ داده می‌شود، ما باید خدا را شکرگزار باشیم. اما آن نوشته خلل‌های فراوانی دارد که فرصتی برای پاسخ‌دهی به تمام جزئیات آن را ندارم. نام رساله است «نوروز در اندیشه هوا و خیال». من تصور می‌کنم که ایشان حتا در عنوان رساله‌شان مرتکب چند اشتباه شده‌اند. نخست این که نمی‌دانم هدف ایشان «هوا» به معنی «باد» است و یا «هوی» که «خواهش نفس» را گویند. اگر هدف ایشان از هوا باد باشد، پس کدام باد می‌تواند اندیشه داشته باشد؟ باز اگر خواهش نفس باشد، پس باید آن را صفت می‌ساختند و می‌نوشتند هوایی و خیالی. به هر حال من چیزی نیافتم که به علم بیفزاید و خواننده از آن چیزی بیاموزد. ماندگار: ایشان حدیث انس بن مالک را نقل کرده که می‌گوید: «زمانی که پیامبر اسلام وارد مدینه شدند، مردم مدینه دو روزی داشتند که در آن به بازی می‌پرداختند؛ پیامبر فرمود این چه روزهایی است، گفتند: ما در دوران جاهلیت در این دو روز به بازی می‌پرداختیم، پیامبر فرمودند: خداوند دو روز بهتری را جاگزین نموده که عید قربان و عید فطر می‌باشد.»

ماندگار: آیا این حدیث نمی‌تواند مبنای تحریم این روز قرار گیرد؟ انصاری: جناب استاد لیب، زحمت فراوانی کشیده و ۵۲ کتاب را مآخذ داده‌اند؛ ولی در راستای هدف‌شان که تحریم نوروز است، موفق نبوده‌اند. مهمترین سخنی که ایشان بر آن تأکید نموده‌اند، اصل عید بودن و یا نبودن نوروز است. نویسنده این سطور پیوسته منکر اصل دینی نوروز بوده، با آن که برخی روایات مبنی بر تقدس این روز هم آمده است. من برای بار هزارم فریاد می‌زنم که نوروز عید نیست که دارای احکامی دینی و تعبدی باشد. نوروز مناسبتی اجتماعی است که هیچ کس نمی‌تواند آن را تحریم کند. حدیثی را که شما به آن اشاره نموده‌اید و بیشتر فقهای ما آن را از سنن ابوداود نقل می‌کنند، از سوی انس بن مالک و سپس حمید روایت شده است. حدیثی را که حمید روایت نموده، عنعنه دارد و حمید چون مدلس است، پس این عنعنه و آن هم از انس بن مالک، استفهام بزرگی را پیش روی این روایت می‌گذارد. جناب لیب طرق دیگری را هم نقل نموده‌اند

عالمان دین:

جشن نوروز هیچ منافاتی با اسلام ندارد

ناجیه نوری

فرهنگ فارسی آن زمان به شبه جزیره عرب نزدیک‌تر بود و داد و ستد بیشتری میان هردو صورت می‌گرفت.

او اضافه کرد، پس اعیاد قبل از اسلام در مدینه میان غیریهودی‌ها به گمان غالب اعیاد یهودی بوده، نه اعیاد زردشتی و هیچ سند معتبری وجود ندارد که اعیاد قبل از اسلام در مدینه اعیاد زردشتی بوده باشد.

حبیب‌الله حسام از آگاهان برجسته علوم دینی می‌گوید: نوروز پدیده‌ای است که قبل از انسان و دین، با پیدایش طبیعت همسو و همنوا است و تعلق خاص به هیچ دین، کیش و آیین ندارد.

او گفت: نوروز هیچ ربطی با ادیان، نه در گذشته و نه در حال داشته و میراثی از هیچ دینی نیست؛ بل تجلیل از نوروز به خاطر زنده شدن دوباره طبیعت و فرا رسیدن بهار است.

به گفته مولوی حسام، مخالفت بعضی‌ها

در نخست ناشی از جهل آنان است،

چون عمق این مسأله را درک کرده

نمی‌توانند، زیرا تجلیل از نوروز ربطی

به هیچ دین و آیین ندارد.

وی تأکید کرد، از سویی هم، هیچ

فتوایی در خصوص حرام بودن نوروز

وجود ندارد و این‌که بعضی‌ها شماری

از احادیث را به حرام بودن نوروز ربط

می‌دهند، ناشی از جهل و نادانی آنان

است.

او افزود، بعضی‌ها خود را با این فرهنگ بی‌گانه می‌دانند و احساس می‌کنند که تجلیل از نوروز به یک قوم خاص مرتبط است، در حالیکه چنین نیست و تجلیل از نوروز در اکثریت کشورهای دنیا رایج است.

مولوی حسام می‌گوید، چون این افراد خود را با این فرهنگ بیگانه می‌دانند؛ بنابراین در صدد تخریب این فرهنگ از زاویه دین هستند و سخت در تلاش نابودی آن اند.

وی اضافه کرد، پس دست‌های استخباراتی کشورهای بیگانه نیز در نابودی این فرهنگ تلاش دارد و این مسأله فراتر از مسایل دینی است؛ اما می‌خواهند با حربۀ دین آن را نابود کنند.

با این حال احمد ذکی خاورنیا آگاه دینی می‌گوید: برخی از حلقاتی که از بیرون تمویل می‌شوند، شب و روز تلاش می‌کنند تا مردم ما را از فرهنگ‌شان بیگانه‌تر سازند و برخی از ساده‌اندیشان ما هم آگاهانه و یا نا آگاهانه

آب در آسیاب دشمن ریخته و به تحریم چنین جشن‌هایی فتوا می‌دهند.

او افزود: درحالی‌که تجلیل و تحریم در دست خداست و اگر نص قطعی‌یی در این زمینه وجود می‌داشت، علما هرگز در این زمینه باهم اختلاف نمی‌کردند.

وی تأکید کرد، با توجه به موارد ذکر شده می‌توان گفت که انگیزه اول و آخر این چنین فتواها، همان فارسی‌ستیزی است و بس.

به گفته خاورنیا، اگر چه بحث نوروز از مسائل مهمی است که برخی از علمای روشن‌فکرما در چند سال اخیر پیرامون آن مقالات متعددی نوشته‌اند و حتا مخالفین جشن نوروز هم به آن حدت و شدت گذشته نیستند.

وی تأکید کرد: پس مخالفت آنان به این معنی است که آن‌ها نه با مراجعه به اصول، بل به فتوای برخی سلفی‌های تکفیری از حقایق در این زمینه آگاه شدند.

جشن نوروز همه ساله با فرا رسیدن بهار در اکثریت کشورها به خصوص کشورهای فارسی زبان مانند افغانستان ایران و تاجیکستان با مراسم و آیین‌های خاص هر کشور برگزار می‌گردد.

مربوط دانستن نوروز به دین زردشتیزم یک موضوع خیالی و مبتنی بر پیش‌فرض‌های ذهنی است؛ زیرا نوروز به زمان جمشید در عصر پیشدادیان بلخ بر می‌گردد که بیشتر از پنج هزار سال قبل از امروز می‌زیست.

شماری از استادان دانشگاه و آگاه امور دینی و تاریخی با بیان این مطلب می‌گویند: زردشت موسس دین زردشتی در پنج صدو هشتاد و سه تا ششصد و شصت قبل از میلاد می‌زیسته که فاصله میان رایج شدن نوروز و به دنیا آمدن موسس زردشتیزم، حدود دوهزار و چهارصد سال می‌باشد.

به گفته آنان، این که بعضی‌ها شماری از احادیث را به حرام بودن نوروز ربط می‌دهند، ناشی از جهل و نادانی آنان است، زیرا در خصوص حرام بودن نوروز هیچ فتوایی وجود ندارد.

در چند سال اخیر، شماری با راه‌اندازی تبلیغات گسترده تجلیل از نوروز را حرام و مخالف دین اسلام می‌خوانند، درحالی‌که به گفته آگاهان امور دینی، این جشن تاریخی و فرهنگی هیچ منافاتی با دین اسلام ندارد.

و اما شماری از آگاهان امور دینی مواضع تندروانه علیه نوروز را «سیاسی و قومی» دانسته می‌گویند، شماری از حلقات که از بیرون تمویل می‌شوند، تلاش می‌کنند تا مردم ما را از فرهنگ‌شان بیگانه سازند و برخی از ساده‌اندیشان ما هم، آگاهانه و یا نا آگاهانه،

آب در آسیاب دشمن ریخته و به تحریم چنین جشن‌هایی فتوا می‌دهند.

کمال‌الدین حامد آگاه امور دینی و استاد دانشگاه استقامت می‌گوید: نوروز قدامت افسانوی دارد که به شکل مستند مشخص نیست که در کدام دوره و روی کدام مبانی یک روز مخصوص پنداشته شده است.

وی افزود، اما مشخص است که به عنوان یک جشن دینی نبوده، بلکه بیشتر یک جشن اجتماعی و متناسب با آغاز فصل بهار یا برابر گردیدن شب و روز ابداع گردیده است.

به گفته این استاد دانشگاه، باتوجه به این امر، آغاز نوروز به زمان جمشید در عصر پیشدادیان بلخ بر می‌گردد که بیشتر از پنج هزار سال قبل از امروز می‌زیسته و سلسله پیشدادیان، کیان‌ها و اسپه‌ها با ترتیب تاریخی هم از سلسله حکومت‌های سه هزار سال قبل از میلاد در بلخ می‌باشد.

او، رابطه نوروز با دین زردشتیزم را یک رابطه خیالی و مبتنی بر پیش‌فرض‌های ذهنی دانسته گفت: نوروز با دین زردشتی هیچ رابطه‌یی ندارد، چرا که زردشت موسس دین زردشتی در پنج صدو هشتاد و سه تا ششصد و شصت قبل از میلاد می‌زیسته که فاصله میان رایج شدن نوروز و به دنیا آمدن موسس زردشتیزم، حدود دوهزار و چهارصد سال می‌باشد.

وی تأکید کرد: پس نوروز لااقل بیست و پنج قرن قبل از پیدایش دین مجوسیت رایج بوده و شاید از روی بی‌دقتی باشد که ما نوروز را از اعیاد دینی مجوسیت بدانیم و زردشت را متهم

نماییم که دو نیم هزار سال قبل از به دنیا آمدن خود، نوروز را گرامی داشته است.

آقای حامد در پاسخ به این پرسش که در قرن هفت میلادی یعنی در سال ششصد و بیست و سه که پیامبر اکرم (ص) به مدینه هجرت کرد، آیا تجلیل از نوروز در مدینه مروج بوده است و یا خیر، گفت: در این قسمت هیچ سند تاریخی وجود ندارد ولی بنابر گفته تاریخ نویسان رسومات خانواده‌گی و عید مردم مدینه برطبق آیین یهود صورت می‌گرفت،

بدین لحاظ که در مدینه یهودی‌ها زنده‌گی می‌نمودند و غیریهودی‌ها از آن‌ها متأثر گردیده بودند و دوم این که فرهنگ یهودی با مقایسه

که حدیث مذکور عنعنه ندارد. در این جا می‌خواهم بگویم که در علوم حدیث دانشمندانی هم وجود دارند که احادیث مدلسین را به هیچ صورتی قابل پذیرش نمی‌دانند. شعبه بن‌الحجاج از دانشمندان بلندقامت علم حدیث می‌گوید: تدلیس برادر دروغ است و زنا کردن برای من گناهش کمتر از تدلیس است.

خطیب بغدادی از ایشان حکایت می‌کند که می‌گفتند: نوشیدن ادرار مرکب آسان‌تر از تدلیس است. من در این جا در صدد تأیید و یا رد نظریات دانشمندان علم حدیث نیستم، ولی همین قدر می‌گویم که چه‌گونه می‌توان بر مبنای روایت راویانی که با همجو چلنج‌هایی مواجه‌اند، سه صد میلیون انسان را تکفیر نمود؟!!

ماندگار: برخی ملاها و از جمله آن‌ها همین نویسنده‌یی که شما از ایشان یاد نمودید، فتاوی فقهِ حنفی را اساس این تحریم قرار داده‌اند. اتکا بر حواشی فقهِ حنفی چه قدر می‌تواند اساس این تحریم قرار گیرد؟

انصاری: خیلی خنده‌آور است که دوستانی در هزار مسأله دیگر، فقهِ حنفی را مرادف با خرافات می‌دانند ولی در بحث نوروز خود را دوآتشه‌ترین حنفی‌های کشور معرفی می‌نمایند. با گزینش یک رأی و فتوا و روایت نمی‌توان حقانیت یک مسأله را ثابت نمود. اگر چنین می‌بود، پس باید حنفی‌ها رفع‌الیدین می‌نمودند، در حالی که امام بخاری احادیث فراوانی را در رساله «رفع‌الیدین» خویش روایت نموده و خود آن بزرگوار در مقدمه آن رساله می‌فرماید: «پاسخ به کسی که بلند کردن دست را در نماز هنگام رکوع و بعد از آن که سر را از رکوع بلند می‌کند، منکر بوده و این مسأله را بر عجمیان بدون آن که این امر به آن‌ها ربطی داشته باشد، به صورت مشقت‌باری پیچیده ساخته است.

این بلند کردن دست‌ها در نماز از کردار و گفتار پیامبر صلی‌الله علیه و سلم و از عمل کرد و روایت یاران او ثابت گردیده است، چنانچه از فعل تابعین و پیروی پیشینیان صالح از آن‌ها در اخبار صحیح و روایات شماری از اهل ثقه و مورد اعتماد از مردان ثقه و نیکوکاری که پس از آن‌ها آمدند نیز ثابت شده است.

خداوند آنان را ببخشد و به آن‌چه آنان را وعده داده است، مستحق گرداند. این انکار رفع‌الیدین از کینه‌توزی و بدبینی قلبی ایشان نسبت به سنت پیامبر نشأت می‌کند. او از سنت پیامبر صلی‌الله علیه و سلم گریزان بوده و در برابر پیروان سنت، تکبر و خصومت پیشه نموده و بدعت با گوشت و استخوان و مغز وی عجین گردیده است و (علت مخالفت او با سنت) به این برمی‌گردد که خود به گرد هم آمدن عجمیان پیروانش و استقبال آن‌ها از وی انس گرفته و فریب خورده است». پایان سخن امام بخاری.

تحریم امری در فقهِ اسلامی نمی‌تواند بر مبنای هر روایتی صورت گیرد. اگر متنی قرآنی و یا نبوی به صورت صریح نهی هم نماید، ضرور نیست که آن نهی به معنی تحریم باشد. اگر چنین می‌بود، پس آیتی که می‌گوید: «از مسایلی نپرسید که اگر برای‌شان واضح گردد به ضررتان تمام شود»، باید اساس تحریم همچو پرسش‌ها می‌گردید، در صورتی که چنین نیست. در این زمینه مثال‌های فراوانی هم وجود دارد.

ماندگار: از امام بخاری یاد نمودید، آیا ایشان در این زمینه سخنی دارند؟

انصاری: امام بخاری در «الادب المفرد» خویش و همچنان وقتی که درباره یکی از روایان حدیث به نام «سعر» حرف می‌زند، روایتی را ذکر نموده‌اند که می‌گوید: نعمان فرزند مرزبان جد امام ابوحنیفه کسی بود که برای علی فرزند ابی‌طالب در روز نوروز فالوده اهدا نمود و علی فرمود: هر روز ما نوروز باد!

نمی‌دانم که شیفته‌گان تحریم و قهرمانان میدان تکفیر چرا چنین روایاتی را نمی‌بینند، روایتی که در ده‌ها کتاب حدیث و فقهِ و تاریخ آمده است.

در پایان می‌خواهم اضافه نمایم که فقهای ما در رابطه با اقسام گوناگون نوروز حرف زده‌اند، چون نوروز عامه و نوروز خاصه و نوروز سلطان و نوروز دهقان و نوروز اعاجم و نوروز مجوس. آنچه مورد تحریم قرار گرفته، نوروز دینی زردشتیان است که در ماه‌های دیگر سال می‌آید و خواننده عزیز می‌تواند به مقاله دیگر من که عنوانش «آیا نوروز سنتی زردشتی است؟» [در همین شماره ماندگار درج است] مراجعه نماید.

در این چند روز، شاهد تحقیق‌های استواری در این زمینه بوده‌ام که تبصره‌های فیس‌بوکی دکتر هجرت‌الله جبریلی را می‌توان به عنوان نمونه ذکر نمود. اکنون در حال سفر هستم و فرصت کافی در اختیار ندارم، ورنه سخنان زیادی در این رابطه می‌توان گفت.

این گفت‌وگو؛ دیروز با استاد بشیر احمد انصاری در کابل صورت گرفت.

نوروز در قدم نخست، یکی از نشانه‌هایی است که در مسیر زمان علامت‌گذاری گردیده و مفهوم زمان نیز خود یکی از مسایل پیچیده فیزیکی، ریاضی، فلسفی و دینی بوده که نسبت آن از یک‌سوی و متن‌گرایی و ظاهرپرستی گروهی از منسوبان به نهادهای دینی از سوی دیگر، بر پیچیده‌گی این مفهوم افزوده است. در تاریخ ما، هیچ زمانی به اندازه دو دهه اخیر، بر نوروز نتاخته‌اند که عناصر، علل و انگیزه‌های این هجوم بی‌امان، خود نیازمند بحثی جداگانه می‌باشد که آن را به وقتی دیگر موکول می‌داریم. اما نخستین اشتباهی که مخالفان نوروز مرتکب می‌شوند، نسبت دادن این مناسبت به جمشید است؛ شخصیتی افسانه‌یی که گاهی به نام‌های «جم» و «یما» نیز شناخته شده است. سرچشمه‌هایی که در این زمینه بر آن استناد می‌شود، افسانه‌هایی است که سخنورانی چون فردوسی یافته و یا دانشمندانی چون البیرونی از زبان مردم دوران خویش نقل نموده‌اند. مورخان را عقیده بر آن است که جمشید وجود خارجی نداشته و هیچ سنگ‌نبشته و اثر محسوس و علمی، و هیچ مصدر تاریخی‌یی، از وجود این شخصیت اسطوره‌یی حکایت ندارد. اگر چنین افسانه‌ها اعتبار داشته باشند، پس چرا این سخن دیگر البیرونی را نمی‌پذیریم که در آثار باقیه خویش گفته است: زمانی که سلیمان علیه‌السلام شوکت از دست‌رفته خویش را پس از چهل سال دوباره به‌دست آورد، مردم گفتند این روز جدید و نوروز است. مقریزی هم در «الخطب و الآثار» خویش، نوروز را از یادگارهای دوران سلیمان و داوود علیهماالسلام می‌داند. در این‌جا سخن بر سر ضعف راوی نیست؛ بلکه سخن بر سر نبود هیچ‌گونه دلیلی مبنی بر نسبت دادن نوروز به جمشید و یا کیومرث و یا هم سلیمان علیه‌السلام می‌باشد. شگفت این‌که ظاهری‌مشریان متن‌گرای ما که در هر امر خرد و بزرگی، بر سر صحیح بودن سند روایت‌ها پافشاری می‌کنند، در این‌جا روش معمول خویش را کنار گذاشته و در جهت اثبات ادعای‌شان، به افسانه و اسطوره متوسل می‌شوند. پرسشی که مطرح می‌شود این است که: آیا امری را می‌توان با اتکا بر اسطوره تحریم کرد؟

اشتباه دیگر این گروه، نسبت دادن نوروز به روحانیان زردشتی دوران ساسانیان است. این درست است که مغان و روحانیان زردشتی، نقش مهمی در امر سیاست و جامعه‌ ساسانی داشته و نوروز خودشان را باشکوه تمام تجلیل می‌کردند، ولی باید نباید فراموش کرد که اسناد تاریخی تخت رستم و شوشیانه و بین‌النهرین و مصر و جاهای دیگر، با صدای بلند می‌گویند که نوروز قرن‌ها پیش از ساسانیان وجود داشته است. این از یک‌سوی، و از سوی دیگر نوروز در دوره شاهان ساسانی چیز دیگری بود، زیرا آن‌ها روز تاج‌پوشی شاهان خویش را نوروز می‌نامیدند و هر شاهی که بر تخت می‌نشست، تقویم را از تخت‌نشینی خویش آغاز می‌نمود. به عنوان نمونه: در سال ۱۱ هجری که آغاز شاهنشاهی یزدگرد سوم بود و برابر با ۶۳۲ میلادی می‌شد، ساسانی‌ها جشن نوروز را در ۱۶ ماه جون و یا ۲۷ ماه جوزا یعنی در آستانه تابستان برگزار کردند. (سیروس ابراهیم‌زاده: نوروز علمی و نوروز افسانه‌یی. انتشارات کانون، لاس آنجلس، امریکا، ۱۹۹۹، صفحه ۵)

در پادشاهی خسرو پرویز که او هم در زمان پیامبر اسلام می‌زیست، ساسانی‌ها و موبدان زردشتی، نوروز را در اول برج قوس برپا می‌کردند و مهرگان را در برج جوزا. تجلیل از نوروز در برج قوس، برای پنج‌صد سال تمام در میان زردشتیان ادامه یافت. پس از آمدن اسلام به ایران، نوروزی را که زردشتیان برپا می‌کردند و مصادف با برج قوس می‌شد، مردم «نوروز مغان» نامیدند؛ یعنی نوروزی که مربوط به روحانیان زردشتی می‌شود و با سایر مردم ارتباطی ندارد. (نوروز علمی، صفحه ۲۹)

از ساسانیان بگذریم. در دوره‌های اشکانی هم نوروز در اول حمل تجلیل نمی‌شد، چنان‌که در منظومه ویس و رامین فخرالدین گرجانی که از نوروز دوره‌های اشکانی حرف می‌زند، چنین می‌خوانیم:

**کجا آن‌که ز گشت روزگاران
در آذرماه بودی نوبهاران
متم آذر و تو نوروز خرم
هر آینه بود این هر دو باهم
سر سال و خجسته روز نوروز
جهان پیروز گشت از بخت پیروز**

آری، نوروز اشکانی‌ها در «آذر» می‌آمد که آذر عبارت از همان برج «قوس» سال‌نمای ما می‌باشد.

به گذشته‌های دور نرویم. زردشتی‌های جهان تا همین امروز، نوروز مذهبی خویش را در ماه‌های دیگر سال تجلیل می‌کنند. نوروز مذهبی زردشتی‌ها در آغاز قرن بیستم میلادی، برابر با پانزدهم سپتمبر بود. در پایان آن قرن، نوروز ایشان در بیست‌ودوم اگست آمد، و از سال ۲۰۱۲ میلادی تا سال ۲۰۱۵ میلادی، این مناسبت در هژدهم اگست تجلیل می‌شود. در هندوستان جمعیتی زردشتی زنده‌گی می‌کنند که نخستین

دسته از آن‌ها، یک‌هزار سال پیش وارد ساحل گجرات شده‌اند. وب‌سایت بی.بی.سی، روز بیستم اگست سال ۲۰۱۱ میلادی، به نقل از تلویزیون فارسی بی.بی.سی نگاشت که زردشتی‌های بمبئی (در آن شهر بیشتر از پنجاه آتشکده و معبد زردشتی وجود دارد) نوروز خودشان را به روز ۲۸ مرداد سال ۱۳۸۱ یزدگردی که مطابق با ۲۸ اسد ۱۳۹۰ هجری شمسی می‌شود، برگزار کردند. سالی که گذشت، زردشتی‌های پاکستان، امریکا و جاهای دیگر دنیا نیز نوروز خویش را به روز هژدهم اگست تجلیل کردند. جریده تایمز آف اندیا گزارش داد که زردشتی‌های حیدرآباد و سکندرآباد هندوستان نیز نوروز سال گذشته را به روز شنبه ۱۸ اگست و یا ۲۸ برج سنبله برگزار کردند. **مراجعه نمایید به: Times of India, August ۱۹, ۲۰۱۲.**

یادآوری شود که زردشتی‌ها از ده‌ها مناسبت دینی در امتداد سال تجلیل به عمل می‌آورند. اکنون پرسش این است که اگر تجلیل مردم ما از نوروز، برخاسته از آیین زردشتی می‌باشد، پس چرا از مناسبت‌های دیگر آیین در میان آنان خبری نیست؟

آری، زردشتیان جشن‌هایی دارند از قبیل جشن اسفندگان، مراسم نیایشگاه شاه‌ورهام، اردیبهشت‌گان، خردادگان، تیرگان و امثال آن، که همه دارای ریشه‌های اوستایی‌اند؛ ولی جشن نوروز یک بار هم در اوستا نیامده است. زردشتی‌ها در هر ماهی از ماه‌های دوازده‌گانه تقویم خویش، روزی مقدس دانسته و آن را جشن می‌گیرند و حتی در چنین حالتی هم دیده می‌شود که جشن ماه فروردین در روز

گمان کرده‌اند که گویا معبد نوبهار مربوط به زردشتیان بوده است. آن‌هایی که با نوروز سر جنگ دارند، می‌گویند کسانی که آغاز سال نو هجری شمسی را در مزار شریف تجلیل می‌کنند، در حقیقت از سنتی زردشتی که در آتشکده نوبهار بلخ برگزار می‌گردید، تجلیل می‌نمایند. حال آن‌که «نوبهار» حکایت دیگری داشته است. تحقیقات جدیدی که در این رابطه صورت گرفته و نیز شکل و نقشه آن معبد در کنار یادداشت‌های جهان‌گرد بلندآوازه چینیایی که هم‌زمان با ظهور اسلام وارد بلخ شده و چشم‌دید خویش را برای ما به ارمغان گذاشته، این نکته را می‌رساند که نوبهار، معبدی بودایی بوده است نه آتشکده‌یی زردشتی.

در امتداد رواج یک‌هزارساله آیین بودایی در سرزمین ما - همان‌طوری که زایران چینی و مورخان محلی و غربی نیز نوشته‌اند - صدها و بلکه هزاران معبد بودایی در کابل، بگرام، گلپهار، غوربند، بلخ، غزنه، بامیان، فرخار، بغلان و قندز... وجود داشته‌اند که با پسوند «بهار» و یا «ویهار» شناخته می‌شدند. واژه‌های «ویهار» و «ویهاره» که آهسته‌آهسته به شکل «بهار» تحریف شده، به معنی «معبد بودایی» آمده است. گروهی از نویسندگان عربی و فارسی چون نویسنده «تجاره‌السلف» و امثال ایشان، «نوبهار» بلخ را آتشکده زردشتی تصور نموده‌اند، در صورتی که نوبهار معبدی بودایی بود که اسم اصلی آن در ادبیات سانسکریت به شکل «نوا ویهاره» و یا «نوا ویهار» آمده است که این اسم در حقیقت ترکیبی است از دو واژه «نوا» که به معنی نو می‌باشد و «ویهاره» که به معنی معبد بودایی استعمال می‌گردید. تحریف «ویهار» به «بهار» و سپس تجلیل از روز اول بهار در بلخ، باوری را در اذهان تقویت نمود که بهار و نوروز را به آیین زردشتی نسبت می‌داد، بی‌خبر از این‌که «نوبهار» بلخ معبدی بودایی بود و بوداییان کاری به نوروز نداشته‌اند. شهرت نوبهار در آن زمان تا هند و چین و ایران و جهان عرب رسیده بود و در آن معبد، مجسمه ارزشمند بودا، دندان و ظرف آب و جاروب او نیز نگه‌داری می‌شد که این یادگارهای بودا، زایران

چین و ایران و جهان عرب رسیده بود و در آن معبد، مجسمه ارزشمند بودا، دندان و ظرف آب و جاروب او نیز نگه‌داری می‌شد که این یادگارهای بودا، زایران

چین و ایران و جهان عرب رسیده بود و در آن معبد، مجسمه ارزشمند بودا، دندان و ظرف آب و جاروب او نیز نگه‌داری می‌شد که این یادگارهای بودا، زایران

چین و ایران و جهان عرب رسیده بود و در آن معبد، مجسمه ارزشمند بودا، دندان و ظرف آب و جاروب او نیز نگه‌داری می‌شد که این یادگارهای بودا، زایران

چین و ایران و جهان عرب رسیده بود و در آن معبد، مجسمه ارزشمند بودا، دندان و ظرف آب و جاروب او نیز نگه‌داری می‌شد که این یادگارهای بودا، زایران

چین و ایران و جهان عرب رسیده بود و در آن معبد، مجسمه ارزشمند بودا، دندان و ظرف آب و جاروب او نیز نگه‌داری می‌شد که این یادگارهای بودا، زایران

چین و ایران و جهان عرب رسیده بود و در آن معبد، مجسمه ارزشمند بودا، دندان و ظرف آب و جاروب او نیز نگه‌داری می‌شد که این یادگارهای بودا، زایران

چین و ایران و جهان عرب رسیده بود و در آن معبد، مجسمه ارزشمند بودا، دندان و ظرف آب و جاروب او نیز نگه‌داری می‌شد که این یادگارهای بودا، زایران

چین و ایران و جهان عرب رسیده بود و در آن معبد، مجسمه ارزشمند بودا، دندان و ظرف آب و جاروب او نیز نگه‌داری می‌شد که این یادگارهای بودا، زایران

چین و ایران و جهان عرب رسیده بود و در آن معبد، مجسمه ارزشمند بودا، دندان و ظرف آب و جاروب او نیز نگه‌داری می‌شد که این یادگارهای بودا، زایران

چین و ایران و جهان عرب رسیده بود و در آن معبد، مجسمه ارزشمند بودا، دندان و ظرف آب و جاروب او نیز نگه‌داری می‌شد که این یادگارهای بودا، زایران

چین و ایران و جهان عرب رسیده بود و در آن معبد، مجسمه ارزشمند بودا، دندان و ظرف آب و جاروب او نیز نگه‌داری می‌شد که این یادگارهای بودا، زایران

و یا به گفته سعدی «امادادی که تفاوت نکند لیل و نهار» خوانند، و آن تقویم از روز جمعه نهم رمضان سال ۴۷۱ هجری تا امروز ادامه داشته است. این تقویم هم در ایران و هم در افغانستان رواج داشته است، اما با این فرق که: ایرانی‌ها در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی، نام ماه‌های ساسانی را قانونی ساختند، ماه‌هایی که دارای مفاهیم سنگین زردشتی بوده‌اند؛ ولی در افغانستان تقویم را بر اساس برج‌ها قرار دادند، برج‌هایی که از قرن‌ها بدین سو در تمدن‌های مختلف رایج بوده‌اند. در نصاب‌الصیبان می‌خوانیم:

**برج‌ها دیدم که از مشرق برآوردند سر
جمله در تسبیح و در تهلیل حی لایموت
چون حمل، چون ثور، چون جوزا و سرطان و اسد
سنبله، میزان و عقرب، قوس و جدی، دلو و حوت**

آری، نوروز ما پیش از آن‌که یادگار آتش‌پرستان و آفتاب‌پرستان باشد، میراث سلطان خردمند دودمان سلجوقیان است. این روز به مناسبت میلاد و یا تخت‌نشینی شاهی و امپراتوری و حتا پیامبری برگزار نشده، بلکه این رستاخیز شکوهمند طبیعت را پیوندی است با پایه‌گذاری تمدنی در دل صحرایی بی‌آب‌وعلف و جامعه‌یی بیگانه با تمدن؛ تمدنی که ارکان پنج‌گانه آن بر مبنای حرکت ماه و خورشید سنجدیده می‌شود.

می‌شنویم که برخی از دوستان با استناد به حاشیه یکی دو کتاب فروع فقهی، برگزاری نوروز را با کفر هم‌ردیف جلوه داده‌اند. مهم‌ترین مرجعی که در این راستا بدان مراجعه کرده‌اند، حاشیه ابن عابدین می‌باشد. اما پرسشی که از آن‌ها دارم این است که: آیا می‌توان هر آن‌چه در این حواشی ذکر شده است را وحی منزل و سخنی معقول و منطقی و امری قابل تطبیق دانست؟... اگر پاسخ شما مثبت است، پس بیایید که به عنوان نمونه، این صفحه را باز نموده و با هم بخوانیم.

در حاشیه ابن عابدین، جزء اول، کتاب صلاة، باب امامت، شروط امام جماعت، چنین می‌خوانیم: «شروط امامت عبارت‌اند از: دانستن احکام فقهی، تجوید، تقوی، سن، اخلاق نیکو، زیبایی صورت، نسب، زیبایی صدا، سپس کسی که همسرش نسبت به دیگران زیباتر باشد، پس از او فردی که دارای مال بیشتری باشد، و بعد از آن شخصی که دارای موقف اجتماعی بلندتری باشد، سپس کسی که لسانی پاکیزه‌تر از دیگران به تن داشته باشد، و پس از آن مردی که دارای سری بزرگتر و شرمگاهی کوچکتر باشد.» (مراجعه شود به: ابن عابدین محمد امین بن عمر، رد المحتار علی الدر المختار، دارالکتب العلمیه، لبنان، سال نشر ۱۹۹۲، جزء اول، صفحه ۵۵۹)

این مسأله در حواشی فروع دیگر فقهی چون حاشیه طحاوی بر «مراقی الفلاح شرح نور الایضاح» و... نیز آمده است. با احترام فراوان به فقها و مفتیان متأخر ما که خداوند همه ایشان را غریق رحمت نماید، پرسش این است که آیا هر آن‌چه در حاشیه ابن دست کتاب‌ها آمده است، می‌تواند اصلی برای برپا کردن هیاهویی در جامعه قرار گیرد؟ و چه کسی حق دارد با استناد به حاشیه یکی از فروع فقهی، جامعه مسلمان ما را تکفیر نماید؟

پاسخ من این است که هرگاه مسابقه ملکه زیبایی زنان کاندیداهای امامت را به‌راه انداختیم و سپس با متر و خطکش وارد محافل مردم شدیم تا نامزد مناسب امامت را انتخاب کنیم، پس از آن حق خواهیم داشت که به فتوای نوروزی و تکفیر جامعه نیز پرداخته و فروع فقهی را در جای اصول اعتقادی بنشانیم. من می‌دانم که پیشوا شدن مذهبی و تکفیر این و تفسیق آن و داشتن القابی چون شیخ و داکتر و امام و مفتی و شیخ‌القرآن و شیخ‌الحديث و برخاستن مردم به احترام ما، لذتی دارد دست‌نیافتنی؛ ولی آیا می‌شود حقیقت را فدای آرزوهای کودکان و جاهطلبی‌های بیمارگونه نفسی خویش نموده و خطوط اساسی دین انسانی خویش را نادیده انگاریم؟ این‌همه عالم فاضلی که در امتداد قرون و اعصار در همین سرزمین زاده شدند و در همین خاک مدفون، و سنت‌های اجتماعی خویش را بهتر از ما می‌دانستند، آیا نمی‌توانستند با چوب تکفیر بر فرق جامعه بکوبند؟ در پایان تأکید باید کرد که یک دلیل معقول و منطقی هم مبنی بر زردشتی بودن نوروز، در دست ما نیست و این ما هستیم که به روزها، سال‌ها و مناسبت‌ها هویت می‌بخشیم.

بیدل گوید:
گشود و بست چشمت عالم‌آراست
جهان پیدا و پنهانی ندارد
و یا اقبال می‌گوید:
بهار برگ پراکنده را به هم بریست
نگاه ماست که بر لاله رنگ‌وآب افزود

نوروز ما که آینه تمام‌عیار لطافت نسیم و زایش سبزه و درخشش آفتاب است، امروز به میعادگاهی تبدیل شده که در یک سوی آن، سپاهیان «اعتدال»، «زنده‌گی» و «روشنایی» صف آرسته‌اند و در طرف دیگر آن، هواخواهان «افراط»، «مرگ» و «ظلمت». از آفریده‌گار نوروز می‌خواهیم که سرزمین‌مان را از شر اهریمن «تعصب»، «تباهی» و «تاریکی» در امان نگه دارد!



نوزدهم

این ماه قرار گرفته است، نه در اول آن.

به فرض تطابق تقویم زردشتی با

هجری شمسی، بازم دیده می‌شود که این جشن ماهانه، نوزده روز بعد از نوروز می‌آید.

زردشتیان دارای دو تقویم‌اند که یکی ریشه مذهبی دارد و دیگرش همین تقویمی‌ست که ملک‌شاه سلجوقی و خیام و خواجہ نظام‌الملک به یادگار گذاشته‌اند که آن را تقویم فصلی نامند. اگر جامعه زردشتی ایران، روز نخست برج حمل را تجلیل نموده و در خوشی سایر برادران ایرانی خویش، خود را شریک می‌دانند، این عمل‌کرد را نباید رنگ مذهبی داد، بلکه باید آن را هم‌نوايي با طبیعت دانست، که طبیعت با فرزندان هر دین و آیین، رابطه‌یی یک‌سان و برادرانه داشته است.

اسطوره‌شناس برجسته ایرانی، داکتر مهرداد بهار (فرزند ملک‌الشعراء بهار) کتابی دارد به نام «از اسطوره تا تاریخ» که در آن به‌صراحت اعلام می‌کند: نوروز و مهرگان مربوط به زردشتیان نبوده است. (نشر چشمه، صفحه ۳۴۷)

راست سخن، زمانی که ساسانیان آمدند، نوروزی را که تمدن‌های دور و نزدیک ما آن را بر مبنای نیازهای طبیعی و باران و کشت و زراعت تعیین کرده بودند، تغییر داده و نام ماه‌های سال را بر مبنای مفاهیم زردشتی خویش گذاشتند که هر کدام دارای مدلولی مذهبی بود و در نتیجه، افسون و افسانه فراوانی وارد سیاست و جامعه و فرهنگ این حوزه گردید.

نظامی می‌گوید:

**ز برزین دهقان و افسون زند
برآورده دودی به چرخ بلند
همه کارشان شوخی و دلبری
که افسان گوئی، که افسون‌گری
جز افسون چراغی نیفر وختند
جز افسانه چیزی نیاموختند**

خط و خطای دیگری که دامن ما را گرفته است، نسبت دادن معبد «نوبهار» بلخ، به زردشتیان است که حتا دانشمندان قابل قدری دچار این خطا شده‌اند. علت این اشتباه شاید به نویسندگان عرب برگردد که در اثر همسایه‌گی‌شان با ایران ساسانی و آشنایی کم‌و‌بیش‌شان با آیین زردشتی،

Mandegar

نوروز و قصر نوروز

هارون مجیدی

ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه پیش از چاشت است و من برای دیدن از قصر نوروز، روانه ولسوالی پغمانم؛ می‌خواهم آماده‌گی‌ها برای گرامی‌داشت از جشن نوروز در این قصر را از نزدیک ببینم.

در راه ولسوالی پغمان تدابیر امنیتی شدید توسط نیروهای امنیتی گرفته شده و هر موتوری که داخل این ولسوالی می‌گردد، توسط نیروهای پولیس و ارتش بازرسی می‌شود.

زمین‌ها و باغ‌هایی که در اطراف سرک قرار دارند، همه سبز شده و گل گرفته‌اند و بوی بهار می‌دهند.

پس از نیم ساعت راه به نزدیکی‌های قصر نوروز می‌رسم؛ این قصر در بالای تپه‌ی ساخته شده و زیبایی خاصی را به پغمان بخشیده است.

پروژه ساخت قصر نوروز در ۳۶۴ جریب زمین برای گرامی‌داشت از نوروز ۱۳۹۳ خورشیدی، دیزاین شده بود.

ترکیب معماری ساختمان‌های این پروژه از معماری سابقه افغانستان است و در این پروژه، از گمبدها و قوس‌های مختلف کار گرفته شده است.

این پروژه که ۱۵ میلیون دالر هزینه برداشت، برای گرامی‌داشت از جشن جهانی نوروز که در سال ۱۳۹۳ افغانستان میزبان آن بود، طراحی شد؛ اما به‌خاطر مشکلاتی این جشن در محوطه ارگ برگزار گردید و از این قصر استفاده نشد.

وقتی می‌خواستم داخل قصر نوروز شوم، نگهبانان این قصر مانع شدند و گفتند...

ادامه صفحه ۳



قمچین نفرت و تکفیر بر فرق «نوروز»



استقبال و تجلیل از نوروز، ریشه در فرهنگ انسانی دارد و ممکن است عمر این گرامی‌داشت، به آغاز عمر آدم‌ها در سیاره زمین برگردد؛ اما شاید نحوه تجلیل جوامع انسانی از نوروز در درازای زمان و در پهنای جغرافیای حیات آدم‌ها به گونه‌های متفاوت نمود یافته باشد. صرف‌نظر از اشکال متفاوت تجلیل از نوروز در گذر زمان، جشن نوروز و گرامی‌داشت نوروز در زمان معاصر ما، نه مخالف و متعارض با اسلام و تعالیم اسلامی است و نه حکایت از آیین شرک و آتش‌پرستی دارد. برخلاف، جشن نوروز در نگاه عقلایی و منطقی با آموزه‌های اسلامی که از تعالیم و معارف قرآن و سنت برمی‌خیزد، همسو و هماهنگ است.

محمد اکرام اندیشمند

آیت این عظمت یاد می‌شود.

وقتی نوروز به عنوان روز پاک و صفایی و به عنوان فصل بذر و بیداری و فصل کار و آرزو شناخته می‌شود، توصیه و تأکیدات بسیاری در آموزه‌ها و معارف اسلامی در عمل به آن ویژه‌گی‌ها قابل مشاهده است. پاک و نظافت در حدیث پیامبر (ص) جزو ایمان معرفی می‌شود و غرس نهال بروی زمین، از صدقات جاریه. انس بن مالک (رض) روایت می‌کند که پیغمبر اسلام (ص) گفت: ما من مسلم یغرس غرساً او یزرع زرعاً فیاکل منه طیر او انسان او بهیمه الا کان له به صدقه (هر مسلمانی که درختی را غرس کند و یا نباتی بکارد که مورد استفاده انسان یا حیوانی قرار گیرد، این برایش صدقه شمرده می‌شود).

نهال‌نشانی که نماد فرهنگ نوروزی به‌خصوص در افغانستان است، به‌حدی مورد تأکید قرار می‌گیرد که به روایت دیگری از انس بن مالک، پیامبر اسلام (ص) فرموده است: ان قامت الساعة و فی ید احدکم فسیله فان استطاع ان لا تقوم حتی یغرسها فلیغرسها (اگر قیامت برپا شد و در دست یکی از شما نهالی برای غرس کردن بود، قبل از برپایی قیامت آن نهال را غرس کنید).

اما چرا عالمان دینی که پیغمبرش پاک و صفایی را جزو ایمان آن دین می‌خواند و غرس نهال را صدقه جاریه؛ مردم را از منبرها به خصوص از منابر مساجد شهر کابل به صفایی و پاک و نهال‌نشانی این پایتخت ناپاک و آلوده فرا نمی‌خوانند و برخلاف، خشم و نفرت خود را بر سر جشن نوروز و فرهنگ تجلیل از نوروز فرو می‌ریزند؟ چرا شماری هرچند معدود در جامعه ما از فرهنگ تجلیل نوروز و جشن نوروزی به غیظ و وحشت می‌افتند، اما در برابر خشونت و کشتار ددمشانه طالب و داعش، سکوت و اغماض می‌کنند؟!

نوروز و فرهنگ گرامی‌داشت از نوروز را برخی آدم‌ها حتا با نام و آدرس عالم دین، از منبر مساجد به تازیانه نفرت و تکفیر می‌بندند و آن را مظهر شرک و گناه معرفی می‌کنند، درحالی‌که در برابر جنایات و گنجه‌های فرقه‌های سرب و انتحاری که خود را در درون مساجد و میان نمازگزاران منفجر می‌سازند و سر انسان‌ها را همچون حیوانات ذبح می‌کنند، خاموش می‌مانند و واکنشی نشان نمی‌دهند.

نوروز، سرآغاز فصل بهار است؛ فصل تلاش و امید، فصل بیداری و کار، فصل بذر و رویش، فصل پاک و صفایی. با چنین ویژه‌گی‌هایی، نوروز و فصل نوروزی‌ست که برخی از جوامع انسانی به گرامی‌داشت و استقبال این روز می‌روند و از آن به عنوان روز عید و روز جشن تجلیل می‌کنند.

استقبال از نوروز و برپایی جشن نوروز، در واقع استقبال از تلاش و آرزو برای زنده‌گی‌ست. وقتی انسان‌ها به پذیرایی نوروز و فصل نوروز می‌روند، در واقع تصمیم و آماده‌گی خود را برای کار و تأمین آرزوها در یک‌سال دیگر از حیات خویش اعلان می‌کنند.

استقبال و تجلیل از نوروز، ریشه در فرهنگ انسانی دارد و ممکن است عمر این گرامی‌داشت، به آغاز عمر آدم‌ها در سیاره زمین برگردد؛ اما شاید نحوه تجلیل جوامع انسانی از نوروز در درازای زمان و در پهنای جغرافیای حیات آدم‌ها به گونه‌های متفاوت نمود یافته باشد. صرف‌نظر از اشکال متفاوت تجلیل از نوروز در گذر زمان، جشن نوروز و گرامی‌داشت نوروز در زمان معاصر ما، نه مخالف و متعارض با اسلام و تعالیم اسلامی است و نه حکایت از آیین شرک و آتش‌پرستی دارد. برخلاف، جشن نوروز در نگاه عقلایی و منطقی با آموزه‌های اسلامی که از تعالیم و معارف قرآن و سنت برمی‌خیزد، همسو و هماهنگ است. نوروز با ویژه‌گی‌های رویش و شگفتن در زمین، مظهر تبلور قدرت و عظمت خداوند است که در قرآن از آن به عنوان نشان و

Mandegar

هزینه های تبلیغات شما در روزنامه ماندگار

ماندگار

شماره	موقعیت اعلان در روزنامه	اندازه	از 1 الی 30 روز	از 31 الی 80 روز / 20% تخفیف	برای 180 روز 40% تخفیف
1	قسمت بالای صفحه کنار لوگو	14/4 cm	\$60	\$48	\$36
2	نصف پائین صفحه اول	16/25 cm	\$250	\$200	\$150
3	بنا در صفحه اول یا اخیر	3/25 cm	\$70	\$56	\$42
4	مکمل صفحه داخلی	36/25 cm	\$350	\$280	\$210
5	قسمت بالای صفحه اخیر	12/6 cm	\$100	\$80	\$60
6	نصف پائین صفحه اخیر	16/25 cm	\$250	\$200	\$150
7	در قسمت بالای وب سایت		برای 7 روز \$ 400	برای 14 روز \$ 600	برای 30 روز \$ 1200